



بخش فرهنگی – مهران مدیری به پروژه سینمایی «درخت گردو» پیوست. به گزارش ایلنا، محمد حسین مهدویان پیش‌تولید فیلم جدیدش را به تهیه‌کنندگی سید مصطفی احمدی آغاز کرده‌است.

پس از پیمان معادی که به عنوان اولین بازیگر «درخت گردو» معرفی شد، مهران مدیری هم حضورش در این فیلم قطعی شده تا در کنار معادی در این فیلم حضور داشته باشد. این اولین همکاری مشترک این دو بازیگر است. «درخت گردو» چند بازیگر دیگر دارد که طی روزهای آینده معرفی می‌شوند.

●●●●●

توضیح فرجی درباره درخواست جلوگیری از اکران «یادم تو را فراموش»

بخش فرهنگی – سخنگوی شورای صنفی نمایش درباره شکایت طرح شده از فیلم «یادم تو را فراموش» و درخواست برای جلوگیری از اکرانش گفت: جلوگیری از اکران یک فیلم به هر دلیلی از طریق سازمان سینمایی که متولی صدور پروانه نمایش است می‌تواند اتفاق بیفتد و ارتباطی با شورای صنفی ندارد.

غلامرضا فرجی درباره نامه‌ای که از سوی ناصر محمدخانی به محسن امیربوسفی به عنوان رییس شورای صنفی نمایش نوشته شده تا از اکران فیلم «یادم تو را فراموش» به کارگردانی علی عطشانی جلوگیری شود، به ایسنا گفت: ضمن احترام به حق شکایت آقای محمدخانی پیرامون فیلم سینمایی «یادم تو را فراموش»، باید تاکید شود که شورای صنفی نمایش حسب نظام‌نامه اکران نمی‌تواند از ثبت قرارداد فیلمی که دارای پروانه نمایش است جلوگیری کند، هرچند تا الان قراردادی برای ثبت ترسیده‌است.

او خاطرنشان کرد: جلوگیری از اکران هر فیلمی بنا به هر دلیل قضایی یا موارد دیگر، از طریق سازمان سینمایی که متولی صدور پروانه نمایش است اقدام می‌شود و شورای صنفی نمایش ارتباطی با این موضوع ندارد.

«یادم تو را فراموش» محصول سال ۱۳۹۴ و با بازی مینرا حجار، حسین یاری، آتیلا پسیانی، ماه چهره خلیلی، رضا ناجی، خشیایار راد، غزل یگانه، بیتا عطشانی و مازیار فلاحتی است که قرار بود سال گذشته اکران شود.

این فیلم که در خلاصه‌داستانش آمده، «دامون مربی بر کنار شده یکی از باشگاه‌های پرطرفدار با دختری که سال‌ها پیش با او ارتباط داشته روبه‌رو می‌شود» در چند جشنواره خارجی شرکت داشته و جوایزی هم کسب کرده‌است.

●●●●●

کیهان کلهر برنده جایزه وومکس شد

بخش فرهنگی – نوزدهمین جایزه جهانی موسیقی(وومکس) به کیهان کلهر آهنگساز و نوازنده کمناچه و ستار اهدا شد. این نوازنده ایرانی پیش از این نیز به همراه گروه راه ابریشم برنده جایزه گرمی شده بود.

به گزارش ایسنا به نقل وب‌سایت وومکس، برگزارکنندگان بین رویداد، علت اهدای این جایزه را به کلهر، تسلط و یگانگی مهارت این نوازنده چیره‌دست کمناچه در نوآوری و ایجاد زبان‌های جدید همچان‌انگیز موسیقی و رساندن سنت موسیقی کلاسیک ایرانی به گوش مردم سراسر جهان، شمردند.

این سایت در توصیف هنر کمناچه‌نوازی کلهر نوشته‌است: «برای کلهر، کمناچه صدای اوست. هنگامی که می‌نوازد انگار زبانی کامل ایجاد می‌کند که با سراسر مردم جهان از گذشته دور تا آینده ارتباط برقرار می‌کند. کیهان کلهر در طول زندگی حرفه‌ای خود با بهترین نوازندگان جای جای ایران همکاری کرده و موسیقی اقوام کردستان و خراسان را مورد مطالعه قرار داده‌است. او با موسیقیدان‌های سایر فرهنگ‌ها نیز از جمله شجاع‌ت حسین خان از هند، یویوما و گروه بین‌المللی جاده ابریشم، اردال ارزنجان از ترکیه، تریو هلندی رامبرانت، تومانی دیابات‌ه از مالی، گروه بروکلین رایدِر و کوارتت کروئوس؛ با زبان موسیقی دیالوگ داشته‌است. از این رو به همه این صداها اجازه می‌دهد تا صدای او را فراگیر کنند.» این جایزه ۲۷ اکتبر امسال (پنجم آبان) در مراسم بیست و پنجمین سالگرد تأسیس وومکس در فنلاند به کیهان کلهر اهدا خواهد شد. کلهر در این مراسم همراه با اردال ارزنجان (موسیقیدان اهل ترکیه) نوازنده باغلاما به اجرا خواهند پرداخت.

رویداد جهانی وومکس در سال ۲۰۱۶ نیز میزبان اجرای مشترک این دو هنرمند بوده‌است. جایزه وومکس که به عنوان جایزه جهانی موسیقی اکسپو شناخته می‌شود، در سال ۱۹۹۹ تأسیس شده‌است. این جایزه از آغاز برای احترام و ارج نهادن به موارد برجسته موسیقی جهان در سطح بین‌المللی و با اذعان به تعالی موسیقی، اهمیت اجتماعی، موفقیت تجاری، تأثیر سیاسی و یک عمر دستاورد هنری معرفی کرده و بنیان نهاده‌است. هر سال نیز در ماه اکتبر همزمان با رویداد وومکس WOMEX (رویداد نمایشگاهی موسیقی جهان) جایزه‌ای به یک نفر که شایسته این عنوان در جهان است داده می‌شود. از سال ۲۰۰۸ جایزه وومکس برای هنرمند و برای تعالی حرفه‌ای به هنرمندان اهدا می‌شود. این جایزه سال گذشته به کوارتت زهی کروئوس از آمریکا تعلق گرفته بود.

{فرهنگ و هنر}

زندگی و عشق در گفتگویی با آلبِر کامو

انزوای عشق و حقیقت

حقیقی به معنای پیشتر بودن در دوتل نیست بل در پیشروی در دروغ نگفتن است. معنی عدالت باز کردن زندانی برای بسته نگاه داشتن دیگر زندان ها نیست. عدالت پیش از هر چیزی یعنی آنچه را که حتی برای زنده ماندن مشتی سگ هم کافی نیست را «حداقل امکان حیات» نماند یا تمام امتیازاتی را که طبقه کارگر در طی صد سال [مبارزه] بدست آورده را از سر کوب و فروداشت تندروانه رها سازند. آزادی بر زبان راندن هر چیزی و یا افزودن بر روزنامه های زرد و شایعه ساز یا برپا ساختن دیکتاتوری در پس لوی اشعار[فردای آزاد نیست. در وهله نخست آزادی دروغ نگفتن است. آنجا که دروغ تکثر باید، بیداد و ستم یا نمودار می شود و یا استمرار می یابد.

♦ آیا ما شاهد انزوا عشق و حقیقت هستیم؟
ظاهراً امروز همه شیفته ی انسانیت هستند (همانطور که همه شیفته خوردن استیک گوشت هستند) و هرکس [برداشتی] از حقیقت دارد. اما این نهایت انحطاط است. این حقیقت انبوهه ای از تل اجساد کودکانشان را به بار نشانده. ♦ انسان های «دادگر» اکنون کجا هستند؟

اکثرشان در زندان ها و اردوگاه های کار اجباری به سر می برند. اما آنجا هم آزادمرد هستند. بردگان حقیقی کسانی دیگری هستند آنهایی که قوانین اُمنفعت طلبانه] خود را به جهان دیکته می کنند.

♦ در اوضاع کنونی، جشن کریسمس می تواند مزید بر علت شود و طنین افکن ایده آشتی و ترک مخاصمه باشد؟

چرا باید به انتظار کریسمس نشست؟ مرگ و تجدید حیات هر روز تکرار می شوند. همینطور بی عدالتی و طغیان در تمام روزها جریان دارند.

♦ آیا شما باوری به امکان آشتی و ترک مخاصمه دارید؟ به چه صورت؟

با پیش رفتن به سوی خاتمه دادن به استمرار اَظلم و[بی رحمی.

♦ شما در «افسانه سیزف» نوشته اید که: «تنها یک کار مفید وجود دارد: بازآفرینی انسان و زمین. من هرگز در پی بازآفرینی انسان نیستم. اما گویا باید دست به چنین کاری زد.» در چارچوب مصاحبه ما توضیح دهید که امروز چطور چنین اندیشه ای را تفسیر می کنید؟

در آن برهه زمانی من خیلی بدبین تر از حالا بودم. این درست است که دوباره سازی انسان ها برای ما میسر نیست، اما از ارزش آن هم نمی‌کاهیم. بر عکس، با نیروی مقاومت و مبارزه علیه بی عدالتی در درون خودمان و دیگران آن را ارج می‌نهیم. گویی لوی یو می گوید کسی سبیده دم حقیقت و راستی را به ما بشارت نداده است، عهده‌ی وجود ندارد. اما حقیقت را بایستی همچون عشق و آگاهی ساخت. در واقع، هیچ چیز وعده یا اعطاء شده نیست اما برای آنهایی که کار و خطر آن را پذیرفته اند، هیچ چیز ناممکنی وجود ندارد. با اینهمه باید در این زمان که در هجمه دروغ در حال خفه شدن هستیم و به انزوا رانده شده ایم بدان توجه داشته باشیم. ما باید تقلیل ناپذیرانه آرامش خود را حفظ کنیم و [شک نداشته باشیم که] درها باز خواهند شد.

سلبریتی‌ها چطور سلبریتی شدند

نامه‌های هواداران ادوین بوث نشان‌دهندهٔ بسیاری از پیوندهایی است که تماشاگران قرن نوزدهمی را با رسانه‌ها و ستاره‌ها مرتبط می‌کند. در نتیجهٔ کشتی بخار، در اروپا هم روی صحنه رفت و نامه‌هایی از انگلیس و آلمان دریافت کرد. به‌واسطهٔ راه‌آهن، در شهرهای بزرگ و محله‌های کوچک، از آکرون تا زنسویل، تماشاگر داشت.

تعدادی از نامه‌هایی که ادوین بوث نگهشان داشت «ستایش‌نامه»هایی بودند که می‌خواستند وعدهٔ ملاقاتی با او ترتیب دهند. در نامه‌های دیگر برای پول، کار و درس رایگان بازیگری به او التماس کرده‌اند. عده‌ای دائماً داروهای تقلبی برایش می‌فرستاده‌اند و عده‌ای هم می‌کوشیده‌اند عقاید مذهبی‌اش را عوض کنند. ده‌ها نفر هم شعرهای بلندی برای بوث می‌فرستاده‌اند که محتوایشان ترکیبی از همهٔ موارد قبلی بود.

بیشتر نامه‌ها در ستایش از بوث به راه افراط رفته‌اند، ولی تعداد زیادی هم شامل انتقادهایی بی‌مضایقه است و برانندهٔ ترول‌های توییتری است. سال ۱۸۶۸، مکاتبه‌کنده‌ای به ادوین بوث توصیه کرده که چطور ریچارد سوم بهتری باشد. مکاتبه‌کننده با گلایه می‌نویسد: «ظاهر شما به قدر کافی عبوس و مخزون نیست. بهتر است قوز کم‌تران بیشتر باشد و وقتی وارد صحنه می‌شوید، باید لنگ‌زدنت بیشتر باشد». بقیه منتقدان ادب و منات کم‌تری داشتند. «شکسپیر دوم» با خط خرچنگ‌قورباغه‌ای، که خط‌به‌خط بدتر می‌شود، توصیهٔ تندوتیزی می‌کند: «جناب آقای بوث، هملت شما مبالغه‌آمیز است. کج‌وکوله‌گی دائمی‌تان نقش را یکنواخت می‌کند. بعضی قسمت‌ها خوب است، ولی در قسمت‌های دیگری که باید مثل آدم‌های منطقی بازی کنید، شبیه دیوانه‌ها بازی می‌کنید».

مکاتبه‌کننده‌ای منتقدان بوث را رتبه‌بندی کرده است. روزنامه‌نگاری که اجراهای بوث در چارلستون را تماشا کرد برایش روزنامهٔ فرستاده تا مطالعه کند. زنی که متقاضی شغای از نمایشنامه‌هایی است که بوث در اجراهایشان بیشتر حضور داشته از رنگ‌بندی خاصی استفاده می‌کند تا شش مناسبت مختلفی را که شاهد بازی او در نقش هملت بوده مشخص کند. خوانندهٔ اپرای فرانسوی، پائولین وباردو، و شاعر آمریکایی، هنری وادزورث لانگ فلو، نامه‌های مشابهی را دریافت و نگهداری کرده‌اند. بی‌گمان جوامع چاپی قرن نوزدهمی کمتر از جوامع دیجیتال امروزی با یکدیگر ارتباط داشتند. اما بین فرهنگ سلبریتی گذشته و امروز پیوستگی‌های واقعی وجود دارد که سرنخی ندان‌گیر ارائه می‌کند در باب اینکه فرهنگ سلبریتی دقیقاً چه جذابیتی برای مردم دارد.

همهٔ ما، حتی آن‌هایی که سلبریتی‌ها را نادیده می‌گیرند، بخشی از قصه‌ای هستیم که می‌توانیم بر برون‌دادش مؤثر باشیم، ولی هرگز نمی‌توانیم دقیقاً پیش‌بینی‌اش کنیم. سلبریتی‌ها نه بازیچه‌اند و نه خدا. هر بار که کاردی بی آهنگ جدیدی منتشر می‌کند، عکسی برای جلد مجله‌ای می‌گیرد و یا مطلبی در شبکه‌های اجتماعی منتشر می‌کند، ممکن است وجهه‌اش بهتر یا بدتر شود. اعضای جامعه نه مصرف‌کنندگانی منفعل‌اند و نه خالقانی با قدرت مطلق. آن‌ها با خودشان بحث می‌کنند و تصمیم شخصی هر فردی برای تعامل با یا چشم‌پوشی از سلبریتی‌ها در ایجاد و نابودی ستاره‌ها نقش دارد. روزنامه‌نگاران اخبار سلبریتی‌ها را پوشش می‌دهند تا توجه جامعه را جلب کنند. دسته‌ای از آن‌ها سلبریتی‌ها را نقد می‌کنند و دسته دیگر خوراک سلبریتی‌ها را فراهم می‌کنند. فرهنگ سلبریتی چیزی نیست جز همین های‌وهوی؛ نمایشی که عده زیادی در نگارشش دخیلند ولی مهار کاشش در اختیار هیچ کس نیست. اگر از پایان قصه مطمئن بودیم، شاید علاقه‌مان از دست می‌رفت. اگر در عاقبت کار نقشی نداشتیم، شاید کمتر توجه نشان می‌دادیم. نتیجهٔ اخلاقی داستان این است که فرهنگ سلبریتی تماماً خوب یا تماماً بد نیست. اما اگر فرهنگ سلبریتی را دوست ندارید، اینترنت را سرزنش نکنید. همه را سرزنش کنید.

●●● این مطلب برشی است از کتاب درام سلبریتی نوشتهٔ شارون مارکوس.

خبر

فهرست فیلم‌های حاضر در جشنواره نیویورک اعلام شد

بخش فرهنگی – فیلم‌های بخش اصلی جشنواره فیلم نیویورک با حضور جدیدترین آثار سینماگرانی چون «پدرو آلمادور»، «آنیس واردا» و فیلم‌های منتخب جشنواره کن اعلام شد.

به گزارش سینماسینما، پنجاه و هفتمین جشنواره فیلم نیویورک طبق اعلام پیشین با اولین نمایش جهانی «مرد ایرلندی» ساختهٔ جدید «مارتین اسکورسیزی» کارش را آغاز می‌کند و فیلم «بروکلین بی‌مادر» به کارگردانی «داوارد نورتون» نیز پایان‌بخش این رویداد سینمایی خواهد بود. فیلم «پارازیت» به کارگردانی «بونگ جون-هو» از کره جنوبی (برنده نخل طلا) به همراه «درد و شکوه» ساخته «پدرو آلمادوار»، «آتلانتیکس: یک داستان عاشقانه ترسناک» از «ماتی دیوپ»، «باکارو» به کارگردانی «کلرو مندونسا فیلهو» و «جولیانو دورنله» و «اوه مرسی» به کارگردانی «آرنو دیلشن» از فیلم‌های منتخب جشنواره کن امسال هستند که در بخش اصلی جشنواره نیویورک روی پرده می‌روند.

«آتش خواهد آمد» (البور لاکس)، «اولین گاو»، (کلی ریچاردت)، «یک دختر گمشده» (کوجی فوکادا)، «من خانه بودم، اما» (آنجلا شانلیلیک)، «آزادی» (آلبرت سرا)، «مارتین ادن» (پیترو مارسلو) و «صراف» (فدریکو ویروز) دیگر فیلم‌های شاخص بخش اصلی این رویداد سینمایی هستند. «واردا به روایت آنیس» به کارگردانی «آنیس واردا» چهره اخیرا درگذشته موج نو سینمای فرانسه، «تا انتهای زمین» از «کیوشی کوراساوا»، «شبکه زنبور» ساخته «ولبور آسیایس»، «پچه زامبی» از «برتزان بونلو» و «احمد جوان» به کارگردانی برادران «داردن» نیز از مهم‌ترین فیلم‌های بخش «فیلم کامت» جشنواره نیویورک ۲۰۱۹ هستند. پنجاه و هفتمین جشنواره بین‌المللی فیلم نیویورک از تاریخ ۲۷ سپتامبر تا ۱۳ اکتبر (۵ تا ۲۱ مهرماه) در آمریکا برگزار می‌شود.

●●●●●

همکاری مهرجویی و نصیریان بعد از ۴۰ سال



بخش فرهنگی – علی نصیریان چهل سال پس از آخرین همکاری با داریوش مهرجویی، در فیلم تازه او “لامینور” بازی می‌کند.

به گزارش سینماسینما، آخرین بار نصیریان در سال ۱۳۵۹ در فیلم “مدرسه‌ای که می‌رفتیم” ساخته مهرجویی بازی کرده بود و پس از آن فرصت همکاری برای این دو پیش نیامد. گاو، پستچی، آقای هالو و دایره مینا ۴ فیلم دیگر مهرجویی است که نصیریان در آنها بازی کرده و “لامینور” ششمین همکاری این دو خواهد بود.

«آتابای» نیکي کریمی از نیمه گذشت



بخش فرهنگی – فیلمبرداری فیلم سینمایی «آتابای» به کارگردانی و تهیه‌کنندگی نیکي کریمی که اواسط تیر در خوی آغاز شده بود، به نیمه رسید. به گزارش ایلنا، فیلم سینمایی «آتابای»، پنجمین اثر سینمایی نیکي کریمی، از اواسط تیر در خوی، یکی از شهرهای استان آذربایجان غربی مقابل دوربین رفته است. بر اساس برنامه‌ریزی‌های انجام گرفته فیلمبرداری تا اواسط شهریور به طول می‌انجامد. هادی حجازی‌فر، جواد عزتی، سحر دولتشاهی و دانیال نوروش بازیگران «آتابای» هستند.

عوامل اصلی این پروژه عبارتند از: مجری طرح: سعید پاکستانی، مدیر تولید: حسن مصطفوی، مدیر فیلمبرداری: سامان لطیفیان، نویسنده فیلمنامه: هادی حجازی‌فر بر اساس طرحی از نیکي کریمی، طراح چهره‌پردازی: ایمان امیدواری، دستیار کارگردان و برنامه‌ریز: ایمان توکلی، طراح صحنه و لباس: اصغر نژاد ایمانی، مدیر صابرداری: کامران کبان ارثی، تدوین: حسین جمشیدی گوه‌ری، جانشین مدیر تولید: محمدرضا دلنوازی، تدارکات: مهران مداحیان، منشی صحنه: غزل رشیدی، عکاس: امید صالحی، مدیر رسانه: فروش آبا، فیلمبردار پشت صحنه: محمد آبکار و مدیرمالی: آرزو رحیم آبادی.